

حمایت اسپانیا از ناوگان صمود می تواند نقطه عطفی در نابودی غزه توسط اسرائیل باشد

نزدیک به دو سال است که جهان شاهد چیزی است که به طور گسترده به عنوان یکی از سیستماتیک ترین و وحشیانه ترین کمپین های تخریب علیه جمعیت غیرنظامی در تاریخ مدرن توصیف شده است. غزه - منطقه ای پرجمعیت با بیش از دو میلیون فلسطینی - از اکتبر ۲۰۲۳ تحت محاصره تقریباً کامل قرار دارد. زیرساخت های آن ویران شده، دسترسی به آب و برق محدود شده و جمعیت غیرنظامی آن بارها مورد بمباران، آوارگی و قحطی قرار گرفته است.

به طور فزاینده، افکار عمومی جهانی و نهادهای حقوقی بین المللی شروع به نامیدن این پدیده به آنچه هست کرده اند: **نسل کشی**. دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) در اقدامات موقت خود در سال ۲۰۲۴ و سپس در نظر مشورتی بعدی، حکم داد که سیاست های اسرائیل در غزه و کرانه باختری چندین ماده از **کنوانسیون نسل کشی**، **کنوانسیون چهارم ژنو** و حقوق عرفی بین المللی را نقض می کند. ICJ همچنین تعیین کرد که **اشغال سرزمین های فلسطینی توسط اسرائیل غیرقانونی** است و کشورهای عضو موظف اند از عدم به رسمیت شناختن و عدم کمک به این وضعیت غیرقانونی اطمینان حاصل کنند.

با این حال، علی رغم این احکام حقوقی روشن، اسرائیل کمپین نظامی خود را ادامه داده است - جسور شده از دهه ها **مصونیت دیپلماتیک**، سپر وتو در سازمان ملل متحد و حمایت قوی از کشورهای قدرتمند غربی، به ویژه ایالات متحده. نتیجه: جهان تا حد زیادی نظاره گر بوده در حالی که غزه به ویرانه تبدیل شده است.

اکنون، این محاسبه ممکن است در آستانه تغییر باشد.

زورگوی حیاط مدرسه با همتای خود روبرو می شود

دهه هاست که اسرائیل در نظام بین المللی مانند زورگوی حیاط مدرسه رفتار کرده است - مرزها را زیر پا گذاشته، احکام را نادیده گرفته و با اطمینان از اینکه کسی جرأت رویارویی مستقیم با آن را ندارد، تنش ها را افزایش داده است. این موضع با اتحاد با واشنگتن، برتری نظامی منطقه ای و بازدارندگی هسته ای اعلام نشده تقویت شده است. اما این موضع همچنین **تکبر** را پرورش داده است - این باور که هیچ عملی، هرچند بی پروا یا غیرقانونی، پاسخ بین المللی متناسبی را برنمی انگیزد.

تصمیم اسرائیل برای **حمله به منافع دیپلماتیک قطر** در اوایل سال جاری به طور گسترده به عنوان یکی از بی پرواترین تحریرات آن تا به امروز تلقی شد. اما آنچه اکنون در حال شکل گیری است ممکن است حتی از آن فراتر رود: **حمله احتمالی اسرائیل به ناوگان صمود** - کاروانی چندملیتی از کشتی هایی که تلاش می کنند کمک های بشردوستانه به غزه برسانند. در میان کشتی های شرکت کننده، کشتی هایی هستند که تحت پرچم **اسپانیا** حرکت می کنند و **شهروندان اسپانیایی** - از جمله مقامات منتخب، امدادگران و روزنامه نگاران - را حمل می کنند.

اگر اسرائیل این کشتی ها را با نیروی مرگبار مورد حمله قرار دهد، ممکن است زنجیره ای از رویدادها را آغاز کند که چشم انداز ژئوپلیتیکی و حقوقی را به طور چشمگیری تغییر می دهد - و احتمالاً اسرائیل را برای اولین بار در تاریخ خود

مجبور می‌کند که نه تنها محاصره غزه بلکه اشغال کرانه باختری را نیز رها کند.

دومینوهای حقوقی شروع به فروپاشی می‌کنند

گام اول: حمله به کشتی غیرنظامی - ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد

اگر نیروهای اسرائیلی به کشتی‌های غیرنظامی با پرچم خارجی در آب‌های آزاد - به‌ویژه در آب‌های بین‌المللی - حمله کنند، این اقدام نقض جدی حقوق بین‌الملل خواهد بود، از جمله:

- یونکلوس (کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها)
- حقوق عرفی بین‌المللی دریایی
- راهنمای سان رمو درباره حقوق بین‌المللی قابل اجرا در درگیری‌های مسلحانه در دریا.

از همه مهم‌تر، ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد که:

«هیچ چیز در این منشور حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی را در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد مخدوش نخواهد کرد...»

اگر اسپانیا تشخیص دهد که حمله اسرائیل به کشتی‌هایش یک حمله مسلحانه را تشکیل می‌دهد - به‌ویژه اگر شهروندانی کشته شوند - ممکن است دفاع فردی را بر اساس ماده ۵۱ استناد کند. علاوه بر این، این استناد می‌تواند دفاع جمعی را دعوت کند، جایی که سایر دولت‌ها به‌صورت داوطلبانه از حق اسپانیا برای پاسخگویی حمایت می‌کنند.

کشورهایی مانند:

- ترکیه (عضو ناتو با شکایات تاریخی و رقابت استراتژیک منطقه‌ای با اسرائیل)،
- اندونزی (که اخیراً اراده سیاسی برای پیوستن به نیروی صلح‌بان در غزه تحت مأموریت سازمان ملل ابراز کرده است)،
- یمن (که قبلاً در فشارهای نامتقارن دریایی علیه حمل‌ونقل اسرائیل در دریای سرخ مشغول است)،

...می‌توانند حمایت خود را از ادعای دفاع از خود اسپانیا اعلام کنند. این امر یک چارچوب ائتلاف حقوقی برای عملیات محدود دریایی، هوایی و بشردوستانه تحت اصل دفاع جمعی ایجاد می‌کند - حتی در غیاب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل.

گام دوم: حمله به کشتی نظامی - ماده ۵ ناتو

اگر وضعیت بیش از پیش تشدید شود - به‌عنوان مثال، اگر نیروهای اسرائیلی به یک کشتی جنگی اسپانیایی یا ترکیه‌ای حمله کنند - محاسبات حقوقی و سیاسی به‌طور قاطع تغییر می‌کند.

بر اساس ماده ۵ پیمان ناتو، حمله به نیروها، کشتی‌ها یا هواپیماهای یک عضو در منطقه عملیاتی تعریف‌شده توسط ماده ۶ (شامل مدیترانه) به‌عنوان حمله به همه تلقی می‌شود. اسپانیا و ترکیه می‌توانند سپس به‌طور رسمی ماده ۵ را استناد کنند، که مکانیسم پاسخ جمعی را فعال می‌کند.

اگرچه ناتو بر اساس اجماع عمل می‌کند و هر دولت عضو در آنچه مشارکت می‌کند انعطاف‌پذیری دارد، استناد به ماده ۵ مشاوره و همبستگی را الزام‌آور می‌کند. حتی اگر ایالات متحده و آلمان - که هر دو عمیقاً با اسرائیل در ارتباط هستند - از شرکت در نبرد خودداری کنند، بعید است که مانع دیگر اعضای ناتو از اقدام شوند، به‌ویژه با توجه به ضرورت مداوم حفظ وحدت ائتلاف در مورد اوکراین.

از اسکورت‌های دریایی تا عقب‌نشینی استراتژیک

در پاسخ، یک ائتلاف چندملیتی به رهبری ناتو - که احتمالاً حول اسپانیا، فرانسه، ترکیه و ایتالیا متمرکز است و توسط دیگر کشورهای هم‌دل حمایت می‌شود - می‌تواند به سرعت موارد زیر را ایجاد کند:

- یک کریدور دریایی بشردوستانه به غزه
- گشت‌های دفاعی هوایی و دریایی بر فراز آب‌های شرق مدیترانه
- مکانیزم‌های فرماندهی مشترک برای جستجو و نجات و حفاظت از کاروان‌ها

نیروی دریایی و هوایی اسرائیل، اگرچه پیچیده و در منطقه غالب است، به‌طور واقع‌بینانه نمی‌تواند با نیروی هماهنگ ناتو رقابت کند - به‌ویژه نیرویی که تحت ماده ۵ عمل می‌کند و از مشروعیت سیاسی دفاع جمعی پشتیبانی می‌شود.

تحت چنین فشاری، اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی خواهد شد - نه تنها با لغو محاصره غزه، بلکه عقب‌نشینی از بخش‌هایی یا کل کرانه باختری، مطابق با نظر مشورتی ICJ در سال ۲۰۲۴، که به‌طور صریح اشغال اسرائیل را غیرقانونی اعلام کرد و به کشورهای عضو دستور داد حمایت از آن را متوقف کنند.

پیامدها: قانونی کردن نتیجه از طریق “اتحاد برای صلح”

پس از فروکش کردن گرد و غبار، همان ائتلاف کشورهایایی که در دفاع جمعی عمل کرده‌اند می‌توانند یک قطعنامه “اتحاد برای صلح” را به مجمع عمومی ارائه دهند - به صورت گذشته‌نگر:

- حمایت از عملیات چندملیتی، و
- مجوز دادن به یک مأموریت رسمی صلح‌بانی سازمان ملل در فلسطین، شامل غزه و کرانه باختری.

این امر یک چارچوب حقوقی بین‌المللی - هرچند شکننده - ارائه می‌دهد برای:

- پایان دادن به محاصره،
- حفاظت از غیرنظامیان فلسطینی،
- برجیدن شهرک‌های غیرقانونی، و
- بازسازی نهادهای تخریب‌شده جامعه مدنی فلسطینی.

نقطه عطفی در خاورمیانه - و در حقوق بین‌الملل

اشتباه نکنید: هیچ‌یک از این‌ها تضمین‌شده نیست. خطرات تشدید، محاسبات نادرست و واکنش‌ها واقعی هستند. اما بحران ناوگان صمود، اگر توسط اسرائیل به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند آغاز یک تغییر تاریخی باشد - نه تنها در تعادل قدرت

منطقه، بلکه در کاربرد حقوق بین الملل به خودی خود.

برای اولین بار در دهه ها، کشوری مانند اسپانیا - با حمایت متحدان اروپایی، شرکای با اکثریت مسلمان و توده بحرانی از حمایت عمومی - می تواند خط قرمزی را ترسیم کند که حقوق بین الملل در مناقشه اسرائیلی-فلسطینی فاقد آن بوده است.

این نابودی اسرائیل نخواهد بود. اما می تواند پایان توانایی اسرائیل برای نابودی غزه بدون عواقب باشد.

و شاید، از خاکستر غزه، جهان سرانجام بتواند چارچوبی بسازد که نسل کشی های آینده را نه تنها غیرقانونی - بلکه غیرممکن کند.